**عنوان: تک فرزندی از دیدگاه جامعه شناسی**

**چکیده**

متأسفانه در دهه های اخیر برخی بر این باور بودند که باید جمعیت کشور را به شدت کنترل کرد و با برنامه های فراوانی در پی کاهش آن برآمدند. بنابراین ما هم چنان شاهد رواج خانواده های تک فرزند هستیم. خانواده هاییی که به هر دلیلی تن به داشتن فرزند دوم و سوم نمی دهند. طیف دلایل انتخاب تک فرزندی توسط خانواده ها متفاوت است. از مسائل و مشکلات و کمبودهای اقتصادی گرفته تا فراهم نشدن فرصت باروری به دلیل بالا رفتن سن ازدواج، پدیده تک فرزیدی که در علم جامعه شناسی به امپراطوران کوچک معروف است، نوعی از خانواده هسته است که منبعث از تغییر در سبک زندگی افراد جامعه می باشد. بدین ترتیب حاضر به بررسی تک فرزندی، علل رواچ و آثار سوء آن در خانواده و جامعه به روش کتابخانه ای پرداخته و نتایج حاصله گواه آن می باشد: درست است که تک فرزندی پیامدهای اجتماعی از قبیل فروپاشی نظام خویشاوند سالاری، عدم رشد اجتماعی، افزایش ابتلا به افسردگی، عدم اعتماد به نفس، عدم استقلال، عدم تجربه کافی در دوران کودکی و نوجوانی، فروپاشی خانواده را دارای می باشد. اما در نهایت نوع واکنش والدین به عملکرد تک فرزندانشان و نحوه ارتباط با آنان اثر بسزایی در به وجود آمدن این گونه معضلات خواهد داشت. همچنین از مجموع آیات و روایان می توان دریافت که از نظر اسلام داشتن فرزند بیشتر، زندگی بهتری را برای خانواده و جامعه رقم خواهد زد.

واژگان کلیدی: تک فرزندی، آثار سوء تک فرزندی، خانواده، جامعه

**مقدمه**

تک فرزندی پدیده جدیدی نیست و در گذشته نیز خانواده های تک فرزند وجود داشته اند. اگر چه نوع خانواده در ایران پیش از دوره گذار جمعیتی قاعدتا خانواده گسترده بوده است. خانواده هایی که افراد از پدربزرگ تا نوادگان در یک خانه زندگی می کردند. نباید تصور کرد که این شکل خانواده در کل ایران و در میان همه اقشار جامعه رایج بود. بلکه در کنار خانواده گسترده، خانواده هسته ای نیز وجود داشت، خانواده هایی که فقط از دو نسل والدین و تعدادی فرزند تشکیل شده بود. تعداد فرزندان نه بر اساس برنامه ریزی و قصد قبلی، بلکه بیشتر به صورت اتفاقی و غیربرنامه ریزی شده به دنیا می آمدند. البته گاهی خانواده تک فرزند نیز وجود داشته است. بنابراین این نوع تک فرزندی در گذشته چندان به میل و خواسته خانواده ها گره نخورده بود و اگر خانواده ای با یک فرزند عمر خود را سپری می کرد، این خواسته چندان به انتخاب خانواده وابسته نبود. این حالت را می توان (تک فرزندی طبیعی ) نام نهاد. این نوع تک قرزندی الگوی غالب فرزندآوری نبود ، بلکه باروری در سطح بسیار بالایی بود و اغلب خانواده ها تعداد زیادی فرزند داشتند که برخی از این فرزندان بر اثر مرگ و میر بالا جان خود را از دست می دادند.

بررسي پديده تك فرزندي مي تواند از دو جنبه عمومي و خصوصي قابل توجه باشد. تغيير جهت سياست هاي جمعيتي در سال هاي اخير و اجراي برنامه هايي در جهت تشويق باروري اهميت بررسي اين پديده ها را از جنبه عمومي و حاكميتي نمايان مي سازد.اما تجربه سياست گذاري هاي جمعيتي در ايران و جهان نشان مي دهد كه نقش جنبه هاي خصوصي و فردي اين پديده يعني پذيرش اخلاقي و به كار بستن اين سياست ها در زندگي خصوصي و خانوادگي بسيار گسترده تر و عميق تر از سياست گذاري هاي كلان جمعيتي است .از جنبه فردي، گسترش توجه به خواسته ها و تمايلات خود و فرزندان در دنياي مدرن فردي شده ي امروزي و همچنين افزايش مسائل و مشكلات و محدوديت هاي مالي ناشي از شرايط اقتصادي - اجتماعي ناشي از زندگي مدرن، افراد و خانواده ها را در مسير انتخاب ها و تصميماتي قرار داده است كه بايد در مراحل مختلف زندگي خانوادگي اتخاذ كنند(مک نیکل، 2006: 2).

همراه با توسعه ی نسبی اقتصادي و اجتماعي، در نتيجه ی اتخاذ سیاستهای کنترل موالید از اواسط دهه ی 1360 ، سطح باروري ضمن کاهش سریع خود، از حدود 7 فرزند در اوایل دهه ی1360 فرزند برای هر زن به حدود 9/1 فرزند در سال 1385 رسيد(عباسی شهوازی و همکاران، 2009).برآوردهای فعلی نهادهای بین المللی )برای سال های 2015-2010، نیز میزان باروری کل در حدود 75/1 1 فرزند برای ایران را نشان می دهد.( United Nations, ، 2015).

بر این اساس، ایران نیز امروزه در میان کشورهایی قرار گرفته که سطح باروری پا یین تر از سطح جانشینی )باروری کل زیر 2/1 فرزند) را داشته و در حال حرکت به سمت باروری پا یینِ پا یین در یکی دو دهه ی بعدی است. امر مسلم، شناخت کم و کیف تحولات جمعیتی، منوط به شناخت مؤلفه های حرکت جمعیت و از جمله باروری است. باید توجه داشت که باروری در سطح کلان، برآیندی از مجموعه تجارب سطح فردی و مواجهه ی زنان، زوجین با تجربه ی فرزندآوری است. کاهش عمومی باروری، تمایل پایین زوجین برای فرزندآوری را نشان می دهد، پدید ه ای که از آن تحت عنوان تک فرزندی یا بی فرزندی یاد می شود و نیازمند بررسی های علمی و دقیق است.کم فرزندی و کم فرزندآوری، زمینه ها و عوامل مؤثر بر آن و تبعات آن در ابعاد و سطوح مختلف به یکی از مسائل اصلی در مجموعه مباحث جمعیتی، اجتماعی و سیاسی علمی و عمومی در ایران امروز تبدیل شده است. گرچه تعریف رسمی از این واژه ارائه نشده، به طور کلی، میتوان آن را به عنوان تصمیم و تلاش از ناحیه ی افراد، زوجین و یا حتی در سطح کلان، جمعیت های انسانی، برای کاستن از تعداد موالید خود در نظر گرفت(جانسون و هنکز، 2011: 26)

به طور کلی انسانها در پس هر رفتارشان، نیات آشکار و پنهانی دارند که در عمل، شناخت رفتارها را به شناخت چنین نیات و فرآیندهای ذهنی و معنایی منوط می کند. ادعای مقاله ی حاضر این است که تجارب مربوط به فرزندآوری، از مرحله ی آگاهی و معناسازی ذهنی در مورد فرزند و فرزندآوری، تا مرحله ی تصمیم برای آوردن یا نیاوردن فرزند و همچنین تحقق نیات مرتبط با چنین تصمیماتی- همگی طی فرآیندهای ذهنی و معنایی و در متن تجارب اجتماعی اقتصادی و فرهنگی زندگی ساخته و برساخته می شوند(جوردن چونگ،2002: 290).

تصور بر اين است كه در جامعة امروز نگرش خانواده ها به فرزندآوري و تعداد فرزندان تغيير كرده است . به بيان گرايش پيدا كرده اند. اين نوع تك فرزندي به دليل ( تك فرزندي ارادي ) ديگر، امروزه خانواده ها به شرايط نامساعد بهداشتي و مرگ ومير بالا نيست، بلكه والدين به طور ارادي و به دلخواه خود به داشتن يك فرزند اكتفا مي كنند. اين تغيير در ساختار خانواده و كاهش تعداد فرزند، تغيير در روابط درون خانواده را نيز به همراه داشته و كيفيت زندگي تك فرزند را تحت تأثير قرار مي دهد. بر اين اساس، خانواده هاي تك فرزند با محدوديت ايفاي نقش مواجه اند، زيرا حامل نقش فرزند، امكان ايفاي نقش خواهر يا برادر را ندارد و از قابليت ها و مهارت هايي كه در روابط بين خواهر برادر شكل مي گيرد محروم است. از اين رو، ماهيت تجربه تك فرزندي و اينكه چگونه به منزلة پديده اي اجتماعي ابراز مي شود، بايد دقيقاً مطالعه شود تا فهم عميق تري از ويژگي هاي اين پديده حاصل شود. ما امكان تجربة مستقيم اين پديده را نداريم ، اما تك فرزندان تجارب كم و بيش يكسان و مشتركي را در زندگي روزمرة خود سپري مي كنند كه مي توان اين تجارب بي واسطه را به شيوه اي عميق فهم كرد. فهم معناي اين تجربه هدف پژوهش حاضر است. در این مورد تحقیقاتی انجام شده است که می توان به تحقیق شجاعی و یزدخواستی(1396) اشاره کرد که در تحقیق خود به بررسی تجربه زیسته تک فرزندان از تک فرزندی پرداخته است و بیان می دارد که داده ها از طريق مصاحبة عميق با بيست تك فرزند دختر بالاي 18 سال با نمونه گيري هدفمند جمع آوري و با استفاده از تكنيك شش مرحله اي اسميت تحليل شد. از تحليل داده ها دوازده مضمون استخراج شد. اين تم ها عبارت اند از: حكمراني در خانواده، در حسرت موقعيت ديگري، توقعات افراطي، تنهايي: فقط خودتي و خودت، نياز به حمايت خانوادگي، در جست وجوي جبران، پيوند اعتباري، ضعف در روابط احساسي، نگرانيهاي مخرب، برخورد تربيتي والدين، تعديل خود و مواجهه با باورهاي كليشه اي. يافته هاي اين مطالعه توانست تصويري روشن از تجربة تك فرزندي ارائه دهد. در يك نتيجه گيري كلي، تجربة زيستة كنشگران نشان مي دهد كه تك فرزندها معمولاً به لحاظ مهارت هاي زندگي و توانمندي هاي فردي، متفاوت اند و اين تفاوت اغلب خود را به صورت افراط يا تفريط نشان مي دهد. البته بايد توجه داشت كه ت كفرزندها به دليل فقدان تضاد منافع معمولاً از امكانات و رفاه بيشتري برخوردارند كه اين خود سبب ظهور برخي مضمونهاي اختصاصي پيش گفته مي شود.

نتایج تحقیق حسینی و همکاران نیز گویای آن است که تغییرات اجتماعی و تحولات خانواده ملازم با تغییر در نگر شها و ایستارهای مرتبط با ازدواج و فرزندآوری و در نهایت رفتار و ایده آلهای باروری است )حسینی و همکاران،1388: 55). اما نتایج پژوهشی در خصوص نگرش به فرزندآوری در خانواده های جوان قزوینی حاکی از آن است که آزمودنی ها به فرزندآوری و تعدد فرزند، نگرش منفی داشته و از این حیث تفاوت معناداری بین زنان و مردان وجود نداشته و همچنین عامل اقتصاد بیش از عوامل دیگری از جمله اعتقادی، فرهنگی و هویت شناختی- جسمانی بر نگرش منفی خانواده های جوان به فرزندآوری تأثیرگذار بوده است )موسوی و قافله باشی، 1392: 111-134).

بر این اساس فرضیاتی ارائه می شود که می توان به آنها اشاره کرد:

بین تک فرزندی و فروپاشی نظام خویشاوند سالاری رابطه وجود دارد.

بین تک فرزندی و عدم رشد اجتماعی رابطه وجود دارد.

بین تک فرزندی و توجه افراطی والدین رابطه وجود دارد.

بین تک فرزندی و افزایش ابتلا به افسردگی رابطه وجود دارد.

بین تک فرزندی و فروپاشی خانواده رابطه وجود دارد.

**یافته های تحقیق**

خانواده به عنوان یک نهاد اصلی اجتماعی دارای حیات ویژه ای است که با روش علمی مورد مطالعه قرار می گیرد و چگونگی پیدایی خانواده و تطور دگرگونی های آن در طول تاریخ تبیین می گردد مطالعه در تاریخ تحول خانواده و انواع و اشکال آن در جوامع معاصر جهان، نشان می‌دهد که خانواده از نظر کارکرد، ساخت، روابط اعضای شیوه معیشت و اقتدار، انواع مختلفی به خود دیده و به اشکال متنوعی درآمده است.

از نظر کاربردی به دو صورت زیستی و آماری ،از دیدگاه کارکردی دو شکل جهت‌یابی و فرزندزائی ،از نظر شیوه معیشت و نحوه زندگی، خانواده به سه شکل شهری ، روستائی و عشایری و از نظر ساخت خانواده و روابط افراد در درون آن، به خانواده هسته ای ،خانواده گسترده،خانواده بامحلقات و خانواده ناقص تعریف می گردد

اما خانواده هسته ای ، نوعی از خانواده است که از زن و شوهر وفرزندان یا زن و شوهر بدون فرزند تشکیل می گردد و خانواده های به اصطلاح تک فرزند که موضوع اصلی این مقاله را تشکیل می دهد نیز در همین تعریف می گنجد .

**علل رواج تک فرزندی**

مهمترین دلیل رواج تک فرزندی از منظر اجتماعی شاید به علت تغییرات گسترده ای اجتماعی در جامعه است که در اصطلاح جامعه شناسی به "سبک زندگی" معروف شده است .درادبیات جامعه شناسی از مفهوم سبک زندگی دو برداشت ومفهوم سازی وجود دارد، یکی مربوط به دهه ۱۹۲۰، که سبک زندگی معرف ثروت و موقعیت اجتماعی افراد و غالباً به عنوان شاخص تعیین طبقه اجتماعی به کار رفته است (چاپین ۱۹۹۵؛ چاپمن ۱۹۳۵) و دوم به عنوان شکل اجتماعی نوینی که تنها در متن تغییرات مدرنیته و رشد فرهنگ مصرف گرایی معنا می یابد (گیدنز ۱۹۹۱؛ بوردیو ۱۹۸۴؛ فدرستون ۱۹۸۷ و۱۹۹۱؛ لش و یوری ۱۹۸۷) و در این معنا سبک زندگی راهی است برای تعریف ارزش‌ها و نگرش‌ها و رفتارهای افراد که اهمیت آن برای تحلیل‌های اجتماعی روزبه روزافزایش می یابد.بدین ترتیب سبک زندگی بر تمام مسائل زیستی هر فرد مثل خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، مدل لباس، الگوی مصرف، نوع آشپزی و خوراک، تفریحات و نحوه گذران اوقات فراغت، کسب و کار، رفتار حرفه‌ای در محل کار، در دانشگاه و مدرسه، رفتار در فعالیت‌های سیاسی، رفتار در ورزش و رفتارهای رسانه‌ای اطلاق می‌شود و بر نوع رفتار ما با دیگران از همسر و فرزند تا رییس و مرئوس، از پلیس و کارمند دولت، رفتارهای ما در سفر و حفظ نظافت و بهداشت، سبک رفتار با دوست و دشمن، آشنا و بیگانه همه و همه سبک زندگی ما را شکل می‌دهد.تغییرات تدریجی در سبک زندگی افراد جامعه با ابعاد فوق ، باعث تغییر نظام خانوادگی از خانواده گسترده مبتنی بر بستگی¬های نسبی و سببی به خانواده هسته ای شد که در آن خانواده با ویژگی ، یک واحد تولیدی (پوشاک و مواد غذایی)،دارای نظام پخش کالا ، سلسله مراتب مشخص سنی و جنسی و آموزش از طریق مشاهده و تقلید و هدایت و سرپرستی بزرگسالان تبدیل به خانواده ای هسته ای شد که بسیاری از کارکردهایش را به نهادهای اجتماعی دیگر، واگذار کرده است . به خاطر تخصصی شدن کار، هر شخص، کارکرد اقتصادی ویژه ای دارد (دیگر خبری از کار و تولید واحد در خانواده نیست). کارکرد اجتماعی کردنِ کودکان پس از سن شش سالگی نیز از خانواده گرفته شده، به مدرسه واگذار می شود. بسیاری از کارکردهای اقتصادی نیز از خانواده گرفته شده اند. بدین گونه که حکومت از طریق برنامه های رفاهی، تأمین اجتماعی، تأمین مسکن و خدمات بهداشتی و ... بیشتر مسئولیت های تأمین آسایش و رفاه ناتوانان و سالمندان را به عهده گرفته است. کارکرد حفاظتی نیز از خانواده گرفته شد، به دولت واگذار شده است. آموزش های مذهبی نیز - که روزی در دست خانواده بود - امروزه برعهده مؤسّسات مذهبی (چون حوزه های علمیه و کانون های مساجد و هیئت های مذهبی و ...) گذاشته شده است(رابینسون، 1997).

تغییر کارکرد خانواده از گسترده به هسته ای که در بالا ذکر شد پیامد های هایی را به دنبال داشت که عبارت است از :

۱. دگرگونی در نقش فرزندان است که خود، پیامد گذر از یک جامعه سنتی به یک جامعه صنعتی است. در جامعه سنتی، داشتن فرزند برای کار در مزرعه، نیازی ضروری بود؛ امّا در جامعه شهری و صنعتی، فرزندان، بیشتر بار خاطرند تا یار شاطر.

۲. بالا رفتن سطح آموزش. جامعه شناسان کشف کرده اند که زوج هایی که تحصیلات بالایی دارند، در مقایسه با زوج هایی که تحصیلات کمتری دارند، کمتر به فرزندآوری گرایش دارند.

۳. دسترسی آسان به وسائل ضدبارداری، به افراد، این امکان را داده است که بر تعداد فرزندان خود، کنترل داشته باشند.

ب - تغییر نگرش به طلاق: این که طلاق برای پایان دادن به زندگی زناشویی به صورت روش پذیرفته شده و قابل دفاعی درآمده است، دگرگونی هایی در ساختار خانواده به وجود آورده است.

ج - تغییر در نقش زنان و مردان: دگرگونی در نگاه به نقش زن و مرد (خصوصاً زن) عامل دگرگونی در ساختار خانواده شده است. روز به روز، تعداد زنانی که کار می کنند و در درآمد زندگی سهیم اند و در خانواده، اقتداری به هم می زنند،رو به افزایش است و استقلال اقتصادی زنان، آستانه تحمّل زنان را پایین آورده است.

**تک فرزندی و تغییر ساختارهای جمعیتی**

از جمله آثار و پیامدهای تک فرزندی کاهش جمعیت، تغییر ساختار جمعی و به اصطلاح، پیر شدن جمعیت کشور است که می تواند پیامد های ذیل را در بر داشته باشد.

**۱- عدم رشد و توسعه اقتصادی**

بدین معنا که انتقال هرم سنی جمعیت از جوانی به سالخوردگی، در شرایطی است که محرکة اصلی و کلیدی توسعه «منابع انسانی» می باشد؛ زیرا اگر به راستی دولتی بخواهد در خدمت مردم باشد و در تلاش برای توسعه اقتصادی جامعه باشد، و همه توان و ظرفیت منابع ملی، سرمایه و زیرساخت های سخت افزاری و نرم افزاری را به درستی به کار گیرد، افزایش جمعیت عاملی برای شتاب روند توسعه اقتصادی می باشد؛ زیرا مهم ترین نیاز اولیه توسعه اقتصادی، وجود نیروهای جوان، فعال و کارآمد است. بنابراین، کاهش جمعیت موجب پیری جمعیت است که خود مانعی برای رشد و توسعه اقتصادی خواهد بود.

**۲. پیری و بی نشاطی جمعیت**

از دیگر مشکلات ناشی از تنظیم خانواده و کنترل جمعیت، پیری جمعیت و فقدان نشاط و تحرک لازم اقتصادی، اجتماعی است. روشن است که توسعه و رونق اقتصادی وابسته به نیروی جوان و کارآمد است. با کاهش و رشد منفی جمعیت، جمعیت جامعه پیر می شود و از نشاط و سرزندگی لازم برخوردار نخواهد بود؛ زیرا جوانان مایة پویایی و سرزندگی جوامع هستند و غالب نوآوری ها، خلاقیت ها و نیز جهش های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی توسط نیروهای جوان به منصه ظهور می رسد. در جامعه با جمعیت پیر، دولت ها و صاحبان سرمایه، احساس خطر می کنند. اساساً ناامیدی بر جامعه سایه می افکند و جامعه به سمت محو شدن کامل حرکت می کند.

**۳. انقطاع نسل بشر**

از جمله آثار رشد منفی و کاهش جمعیت، پیری و در نتیجه، حرکت به سمت و سوی انقاع نسل بشر است؛

درست که جمعیت نقش مهمی در پیشرفت جامعه ایفا می کند اما زمانی محقق می شود که با سایر عوامل دیگر همراه باشد در این زمینه Balandier ، جامعه شناس متخصص تغیرات و تحولات جوامع آفریقائی ، بر این عقیده است ولو اینکه عوامل جمعیتی در تغیرات و تحولات جامعه نقش دارند ، ولی تنها عامل نمی باشند .این عامل جمعیتی باسایرعوامل در تغیر جامعه نقش دارند . وی به نقش سه عامل در دگرگونی جامعه باور دارد . ۱- عامل جمعیتی ۲- عامل اقتصادی از منظر امکانات اقتصاد محلی هر منطقه .۳- عامل فرهنگی از منظر ارزشی . هرسه عامل بطور تنگاتنگ باهم در تحولات دگرگونی جامعه نقش مشترک و فعال دارند . این سه عامل میتوانند پایه معیار سرعت و پیشرفت و تحولات اقتصادی در یک کشور مورد توجه قرا ر گیرد.

دورکیم جامعه‌شناس فرانسوی نیز معتقد بود که «تأثیر اندازه، تراکم و ترکیب جمعیت را بر جامعه و ساختار اجتماعی تأکید و توسعه اجتماعی را در گرو جمعیت متوازن می‌دانست که با کنترل کمیت و بهبود کیفیت جمعیت دررابطه است.

**تک فرزندی و پیامد های اجتماعی آن**

تک فرزندی علاوه بر تغییراتی که بر ساختار جمعیتی جامعه می گذارد داری پیامدهای گسترده اجتماعی است که به مهمترین آنها پرداخته می شود.

**۱- فروپاشی نظام خویشاوند سالاری**

از جمله عمده ترین پیامد های اجتماعی تک فرزندی فروپاشی نظام خویشاوند سالاری در جامعه است یکی از اساسی ترین معضلات تک فرزندی دگرگونی نظام خویشاوندی است تا جایی که در آینده ای نه چندان دور این نظام معیوب می شود. و واژه های عمو، خاله، دایی و عمه برای افراد بیگانه می شود.

**۲- عدم رشد اجتماعی**

گروهی دیگر از جامعه شناسان معتقد هستند که عدم رشد اجتماعی مهمترین پیامد تک فرزندی است .مهم‌ترین پیامد تک فرزند بودن آسیب رسیدن به رشد اجتماعی فرد است. زیرا فرزند کسی را ندارند تا با او رقابت یا بازی و دعوا کنند. آنها دوست و همدمی در منزل ندارند، بنابراین برخی از احساسات را تجربه نمی کنند و فرصتی برای کنترل و مدیریت آنها نخواهند داشت. چون انسان وقتی از نظر اجتماعی رشدیافته محسوب می‌شود که در این زمینه کاملاً به شکوفایی رسیده باشد. یعنی به سطحی از روابط اجتماعی دست‌یافته باشد که بتواند با مردم به راحتی زندگی کند و سازگاری داشته باشد. شاید بتوان گفت که رشد اجتماعی مهم‌ترین جنبه‌ی رشد وجود هر شخص است. معیار اندازه‌گیری رشد اجتماعی هرکس، میزان سازگاری او با دیگران است. این دیگران شامل همه است، از دوستان، معلّمان، افراد خانواده و بستگان شما گرفته تا همسایه‌ها و ... و حتّی کسانی‌که برای اوّلین بار با آن‌ها برخورد می‌کنید. رشد اجتماعی نه تنها در سازگاری با اطرافیانی که هم‌اکنون با آنان سروکار دارید، مؤثّر است، بلکه بعدها، در میزان موّفقّت شغلی و پیشرفت اجتماعی‌تان نیز تأثیر دارد. هرقدر که شما بیشتر می‌آموزید و تجربه‌های زیادتری می‌اندوزید، بیشتر به این واقعیّت پی می‌برید که از راه مبادله‌ی عواطف و احترام با دیگران است که رضایت به‌دست می‌آید و روز به روز بیشتر یقین می‌کنید که احساس مفیدبودن و خوش‌بختی شما به میزان رشد اجتماعی‌تان بستگی دارد. این رشد اجتماعی، درست همان چیزی است که دوستان و اطرافیان در برخورد با نوجوان آن‌را با عبارت بزرگ‌شدن بیان می‌کنند و در واقع از شما انتظار دارند.

**۳- توجه افراطی والدین**

توجه متمرکز پدر و مادر بر روی یگانه فرزندشان موجب تقویت غرور کاذب در فرزند می شود و توقعات او را در سطحی بالا می برد که تحمل شکست ها و ناکامی ها را برای وی در جامعه دشوار می کند. در عین حال در سوی دیگر حساسیت افراطی و وسواس گونه پدر و مادر بر روی گفتار و رفتار فرزند ممکن است تاثیرات منفی بر تربیت او داشته باشد.معمولا این تیپ افراد به علت پایین‌بودن آستانه تحمل در معرض آسیب‌های شدید قرار می گیرند و منجر به اختلال در تعارض شخصیتی آنها می‌شود که قطعا عناصر این چنینی در انواع و اقسام مشکلات روحی، روانی و عاطفی بسر می‌برند و فشار ها،عقده‌ها و کمبودها آنان را در مقابل کوچک‌ترین ناملایماتی‌ها از پای درمی‌آورد.

**۴- افزایش ابتلا به افسردگی**

افسردگی ناشی از بزرگ شدن و ازدواج فرزندان در خصوص خانواده های تک فرزند به شدت بیشتر احساس می شود . خصوصا خانواده هایی که در سالهای اول ازدواج تنها فرزند خود را به دنیا آورده باشند به ناگاه در سن حدود چهل سال دوباره تنها می شوند.تعداد فرزندان بیشتر در نسل های قبل، می توانست مانعی برای افسردگی باشد. بچه ها پشت سر هم به دنیا می آمدندو دیگر مجالی برای ننرپروری وجود نداشت. اگر بچه غذایش را نمی خورد، بچه دیگری فورا غذایش را می خورد. هیچ کس تنها کانون توجه خانواده نبود اما تک فرزندهای امروزی، آنقدر توجه بی دریغ والدین را می بینند که با وارد شدن به جامعه و دیدن کوچکترین بی توجهی، سرخورده می شوند.

**۵- عدم تجربه کافی در دوران کودکی و نوجوانی**

فرزند در دوره اولیه کودکی بیشتر نیازمند حضور والدین خود است.ولی در دومین دوره کودکی اش نقش همسالان بارزتر می شود و مهارتهای زیادی را از همسالانش می آموزد. وجود خواهر یا برادر بزرگتر نیز می تواند مهارتهای لازم برای اجتماعی شدن او را فراهم کند. حال اگر فرزند تک باشد و به دلیل تربیت سختگیرانه والدین اجازه ارتباط با همسالان خود را نداشته باشد. مجبور است در کنار بزرگسالان پرورش یابد. در نتیجه او تجربه های از کودکی و نوجوانی خود ندارد و با بازی ها، کارها و نقش های این گروه سنی آشنا نیست و یک دفعه پرشی به دوران مسئولیت پذیری بزرگسالان خواهد داشت.

**۶- فروپاشی خانواده**

فرض وارد آمدن آسیب به تک فرزند مثل معلولیت یا مرگ وی می تواند بینان خانواده را نابود کند و چنانچه در مواردی مشاهده هم شده است موجب عدم امکان ادامه حیات اجتماعی برای پدر و مادر شود. در بسیاری موارد امکان فرزند آوری نیز برای پدر و مادر فراهم نیست و سرنوشت نامعلومی را برای آنها رقم می زند. در صورتی که وجود فرزند یا فرزندان دیگر از این آسیب محتمل جلوگیری می کند.

تک فرزندی از دیدگاه جامعه شناسی

خانواده

خانواده هسته ای

تک فرزندی

معایب

محاسن

تغییرات بر ساختار جمعیت

علل پدیده تک فرزندی

پیامد های اجتماعی

1. محبت و توجه کامل والدین

. فراهم بودن امکانات رفاهی

. عدم وجود رقابت با خواهر و برادر

1. مسایل اقتصادی
2. مسولیت پذیر نبودن والدین
3. برآورده نشدن نیاز کودکی والدین
4. تغییر الگوی زندگی
5. نهادینه شدن تک فرزندی با سیاست ها طولانی مدت کاهش جمعیت
6. عدم یاری رساندن به والدین در آیندهفروپاشی نظام خویشاوند سالاری
7. عدم رشد اجتماعی
8. افزایش ابتلا به افسردگی
9. فروپاشی خانواده
10. بلوغ زود رس
11. جایگزینی رسانه
12. توجه افراطی والدین
13. عدم یاری رساندن به والدین در آینده
14. کاهش جمعیت
15. تغییر ساختار جمعی یا پیر شدن جمعیت
16. انقطاع نسل بشر

**- باروري و موقعیت اقتصادي و اجتماعی**

به عقیده رانگ 7 197 این تقریباً یک قانون اقتصادي اجتماعی است که افراد از طبقه یا موقعیت اقتصادي و اجتماعی پایین تر باروري بالاتري دارند (لوکاس و میر:1381 :114 ). کیلفورد بر این باور است که جهت گیري ارزشی فرد بین موقعیت او در ساخت اجتماعی و رفتار باروري مداخله کرده و در حقیقت نقش نوعی متغیر واسطه را دارد. به نظر او پایگاه اجتماعی فرد در ارتباط نزدیک با تغییرات واقعی باروري قرار دارد. بدین ترتیب این موقعیت و پایگاه فرد است که اهمیت بیشتري داشته و جهت گیري فرد را تشکیل میدهد (کاظمی،9:39 137).

بسیاري از مطالعات این نکته را متذکر شده اند که باروري د ر کشورهاي توسعه یافته در میان افراد متعلق به طبقات پایینتر در بالاترین سطح خود است و در نزد طبقات متوسط و عالی در پایین ترین سطح قرار دارد . ارتباط بین تعلق طبقاتی و سطح باروري در سال هاي نخست قرن بیستم به مراتب بیشتر و قوي تر از زمان حاضر است. .(121 : هیر، 1380)

**نتیجه گیری**

جامعه ای که همه آحاد آن تک فرزند ها باشند قطعا جامعه ای دلپذیر و دوست داشتنی نیست. انسانهایی درون گرا و فاقد اعتماد به نفس و در عین حال مغرور که توانایی ارتباطات قوی اجتماعی را ندارند و در لاک تنهایی خویش فرو می روند. جامعه تک فرزندها شبیه شبه جزایری منفرد است که روابط عاطفی در آن به حداقل رسیده است. انسانهایی افسرده و درون گرا این جامعه را تشکیل می دهند که طبیعتا احساس پوچی و گرایش به خود کشی در آن به شدت افزایش می یابد. تصور آپارتمان نشینی، تک فرزندی و زندگی مجردی در کنار هم در یک شهر بزرگ و فاقد مولفه های فرهنگی مثبت دشوار و پیامدهای آن غیر قابل پیش بینی است.

بر اساس نتایج، تأثیرات نامناسب بارداری، زایمان و نیز فرزندپروری بر تناسب اندام و زیبایی، سلامت جسمانی مادر و کودک، سلامت ذهنی- روانی و اجتماعی از جمله شرایط علیّ اصلی کم فرزندی است.یافته ای که با نتایج تحقیقات محمودیان و همکاران، ساویر و همکاران، حسینی و همکاران و کریمان و همکاران نیز همسوست. به نظر می رسد، رویکرد نظری و ندکا نسبت به فرزندآوری که معتقد است زنان، زوجین بایستی فرزندآوری را به عنوان تجرب های خود-تحقق بخش تعریف کنند تا به این کار اقدام نمایند، زمینه هایی برای تأ یید در متن بررسی شده پیدامی کند(محمد، 2012).

مخاطره ی اقتصادی در عمل، مجموعه ی وسیعی از ملاحظات اقتصادی و مالی دربار هی فرزندآوری اعم از هزینه های مستقیم و نیز هزینه فرصتهای مربوط به فرزندآوری در زمان حال و آینده را شامل می شود. رویکردهای معروف به اقتصاد و ارزش با توجه به یافته های تحقیق حاضر، یکی از تبیین های جدی در زمین هی تجارب کم فرزندی در میان زنان مطالعه شده، است. بسیاری از یافته های مطالعات قبلی از جمله اسحاقی و کریمان و همکاران نیز به طور مشخصی یافته های تحقیق حاضر را تأیید می کنند.

یکی از مخاطراتی که در مطالعات قبلی کمتر مشاهده شده و در میان زنان مصاحبه شده به عنوان نوعی مخاطره ی قدرت قابل شناسایی است، این است که عموم زنان- نه لزوما به شکل مستقیم و خودآگاه- تصوری از فرزند در ذهن خود دارند که جایگاه فرزندان را در سلسله مراتب قدرت خانوادگی به سطوح بسیار بالاتری نسبت به گذشته ارتقاء داده است. این برساخته ی ناخودآگاه در مورد کودکان در سلسله ای از مفاهیم مرتبط به هم تعریف می شود، از جمله؛ اعتقاد به اینکه کودکان باید به لحاظ کیفی خوب تربیت شوند، کودکان امروزه توقعات بسیار بالایی دارند، و این که والدین، برآوردن همه ی توقعات کودکان را وظیفه ای اجباری تلقی می کنند. این فرایند تعریف ذهنی فرزند و جایگاه آنکه می شود عنوان کودک شهریار را بر آن نهاد به عنوان یکی دیگر از شرایط علّی کم فرزندی استخراج شده است(کیانی، 2008، کرینفلد و کونیتزکا، 2011).

تأثیرگذاری شرایط علیّ مذکور درکم فرزندی، از مسیر برخی شرایط زمین های عموما نهادی و اجتماعی )مخاطرات نهادی( تسهیل می شود. تغییرات کارکردی نهاد خانواده و جایگزینی نقش های حرف های و اجتماعی به جای نقش مادری و همچنین کم رنگ شدن تأثیرات خویشاوندی در تجربه ی فرزندآوری زمینه را برای کم فرزندی فراهم کرده است. در حالی که نقشهای سنتی خانواده بیشتر حول محور تولیدمثل، تداوم نسل دور می زد، و البته شرایط اقتصادی و اجتماعی زمان گذشته نیز به اهمیت یافتن این کارکرد کمک می کرد، امروزه خانواده تغییرات عمده ای را در بازتعریف نقش زنان، مادران در درون خانواده و جامعه تجربه می کند. در متن بررسی شده، نقشهای حرف های و شغلی اگر نه به عنوان نقشه ای بدیل، دست کم می توانند به عنوان نقشهای جدیِ رقیب، برای نقش مادری مطرح باشند. همچنین تجارب بی نسلی مربوط به فرزندآوری و انعکاس تصویر نامناسب از دوران پرفرزندی گذشته در ذهن بسیاری از زنان جوان امروزی، آنها را به عمل برخلاف تجارب گذشته ی زندگی خانوادگی خود، ترغیب کرده است(اکابری، 2013).

رویکردهای نهادی به باروری از این منظر، عموما یافته های تحقیق حاضر را تأ یید می کنند. همچنین به نظر می رسد کاهش فشار و نیز حمایت های خویشاوندی، مسئولیت تربیت فرزندان را تنها بر دوش والدین به خصوص مادران قرار داده که با توجه به نفسِ فرسایشی بودن این کار، تصمیم در مورد فرزندیا فرزند بیشتر را با احتیاط بسیاری قرین ساخته است. پذیرش اجتماعی کم فرزندی که حتی با توجه به الگوهای رایج در جامعه ی امروزین در حال تبدیل شدن به نوعی اجبار اجتماعی نیز هست. همانند نیرویی عمل می کند که گاهی حتی اراده و قدرت تصمیم گیری شخصی افراد را تحت تأثیر قرار می دهد. از این منظر، می توان ادعا کرد که کم فرزندی )در نظر و عمل( به صورت اجتماعی برساخته می شود، مسئله ای که به طور خاص توسط مکینتایر نیز بر آن تأکید شده است. در کنار تأثیر رسانه ها )چه داخلی و چه خارجی و چه خواسته و چه ناخواسته( در بازنمایی خانواده ی ایرانی، الگوهای خانواده ی هسته ای غربی بی تأثیر نیستند. رویکرد اشاعه ی فرهنگی نیز با تأکید بر نقش رسانه ها در فراگیرشدن الگوهای جدید فرزندآوری ) کم فرزندی(، شواهدی برای تأ یید در متن مطالعه شده پیدا میکند(آیت الله، 2012).

راه حل هایی برای این مسئله، بر اساس نتایج تحقیق حاضر برخی پیشنهادات کاربردی مطرح یشود که اهم آنها به شرح زیر است:

--نیاز به اهتمام جدی نسبت به مسائل مراقبتی از تجر ه ی سخت فرزندآوری در معنای جسمانی آن برای زنان و انجام دادن اقدامات آگاهی بخشی و فرهن گسازی در زمی ه ی منافع اجتماعی فرزندآوری؛

--نیاز به اقدامات عملی برای کاهش هزینه های فرزندآوری و آشت یدادن آن با نقشهای اقتصادی- اجتماعی؛

--بازبینی و ترویج شیو ه های تربیتی مناسب فرزند برای کاستن از مسئله ی کودک شهریار، تا جایگاه فرزند تا آنجایی بالا برده نشود که خانواد ه ها از ترس اینکه نتوانند شرایط خود را با شرایط کودک شهریار تطبیق دهند، به طور کلی از خیر فرزند بگذرند!

--انجام دادن اقداماتی برای کاهش تأثیرات تسهی لگران هی عوامل نهادی در ک مفرزندی از جمله؛ زدودن ته نشست های ذهنی مربوط به دوران کنترل جمعیتی در مواجهه با فرزندآوری از طریق دادن اطلاعات و آگا ی های لازم در زمین هی مسائل جمعیتی ملی به متولیان امر فرزندآوری در حوز ه ی بهداشت و مراقبت های بارداری و همچنین مدیریت محتوایی تولیدات رسان های برای کاستن از نگاه غالب ترغیبی کم فرزندی. از مسیر چنین مداخلاتی میتوان در سطوح مختلف از تبعات نامناسب کم فرزندی از جمله کودکان تنها، تحلیل شبکه ی خویشاوندی و کاهش حمایت اجتماعی غیررسمی در نسل های آتی و در سطح کلان از کاهش جمعیت در د ه های بعدی کاست.

منابع

- اباذری، یوسف و چاوشیان، حسن. (۱۳۸۱). از طبقه تا سبک زندگی، نامه علوم اجتماعی، شماره.۲۰

ابری، آرش، محمودی، محمود، زراعتی، حجت، مجلسی، فرشته(1387). عوامل اجتماعی-اقتصادی و دموگرافیک با باروری ،مجله دانشگاه علوم پزشکی، خدمات بهداشتی درمانی سبزوار، دوره ی 15 ، شماره 1.

ریترز، جورج.(2009). نظریه جامعه‌شناختی (مارکس، دورکیم، وبر)، ترجمه عزیزالله علیزاده، تهران: نشر میزان.

ساروخانی، باقر .(1370). مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، تهران، سروش.

شهبازی، عباس.(1377). برخی از عوامل اقتصادی و اجتماعی و جمعیتی مؤثر بر باروری جمعیت شهرستان نهاوند، نامه علوم اجتماعی، شماره 19 و 20.

عباسی شواری، محمدجلال.(1375). همگرایی رفتارهای باروری در ایران؛ میزان، روند الگوی باروری در استا نهای کشور در سا لهای 1351 و 1375، نامه علوم اجتماعی، دوره 3، شماره 6.

 کاظمی پور، شهلا . ( 1383 ). مبانی جمعیت شناسی، تهران : مرکز مطالعات و پژوهشهاي جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.

- لوکاس، دیوید؛ پاول میر .(1381). درآمدي بر مطالعات جمعیتی، ترجمه : حسین محمودیان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

هیر، دیوید، ام. ( 1380 ). جامعه و جمعیت (مقدمه اي بر جامعه شناسی جمیت.ترجمه: یعقوب فروتن. بابلسر: انتشارات دانشگاه مازندران.

Abbasi-Shavazi, Mohammad Jalal, Peter McDonald & Meianat Hosseini-Chavoshi.(2009).The Fertility Transition in Iran: Revolution and Reproduction. Springer Science + Business .

Akaberi A, Mahmoodi M, Zeraati H, Majlesi F.(2013). [The relationship between socioeconomic

and demographic factors on fertility]. JSabzevarUni Med Sci;1:40- 45.(Persian)

Ayatollahi Z.(2012) [Family ethics]. Maaref: publications,.(Persian)

Beck, U & Beck-Gernsheim, E. (2002), Individualization: Institutionalized Individualism and its Social and Political Consequence. London: sage

Cheung, Ngai Fen.(2002). “The Cultural and Social Meanings of Childbearing for Chinese and Scottish Women in Scotland”, Midwifery, 18 .

Johnson-Hanks, Jennifer A., Christine A. Bachrach, S. Philip Morgan; & Hans-Peter Kohler (2011). Understanding Family Change and Variation: Toward a Theory of Conjunctural Action. London: Springer Science+Business Media B.V.

Kreyenfeld, M and Konietzka .(2008). “Education and fertility in Germany”, one chapter of Demographic change in Germany.

MacIntyre, Sally. (1976).“Who Wants Babies? The Social Construction of Instincts,” *In* Diana Leonard-Barker and Sheila Allen (Eds.), Sexual Divisions and Society Process and Change, London, Tavistock .

 McDonald, Peter.(2002). “Gender Equity in Theories of Fertility Transition”, Population and Development Review, Vol. 26, Mo. 3 .

McNicoll, Geoffrey.(2006).“Institutional Determinants of Fertility Change,” Population and Development Review, Vol. 6, No. 3 .

Mohammad-JavadM, Kazemi-PourS, Mehdi A, Nikoo-nesbatiA.(2012). Iran's population projection considering socio-economic factors based on a multidisciplinary approach. J Plan Budget;2:8-17.

Robinson, C, W,(1997). “The theory of fertility over three decades”, Population studies, 51(1),

United Nations (2015). World Population Prospects: The 2015 Revision, DVD Edition. Online at: <https://esa.un.org/unpd/wpp/Download/Standard/Fertility>.